



<http://www.arianafghanistan.com>



مسئولیت متن، املاء و انشاء این نوشته بدوش خود نویسنده میباشد.



۲۰۱۷/۱۲/۱۳

دکتر نوراحمد خالدی

## راههای برون رفت از بحران سیاسی موجود در افغانستان

بحران موجوده سیاسی در افغانستان مصنوعی است، ریشه در قدرت طلبی و ترس از دست دادن قدرتهای انحصاری شانزده سال اخیر دارد.

بر اساس گزارش های مطبوعات عطا محمد نور از حزب جمعیت اسلامی و محمد محقق از حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان در مراسم نامزدی باتور دوستم پسر جنرال عبدالرشید دوستم رهبر حزب جنبش اسلامی در شهر انقره ترکیه ائتلاف کرده و مجموعه از خواست ها و مواضع مشترک شان را اعلام داشته اند.

این سه تن که هم اکنون عضو دولت می باشند، از جمله جنرال عبدالرشید دوستم که فعلا در ترکیه به سر می برد، معاون اول ریاست جمهوری، محمد محقق معاون دوم ریاست اجراییه افغانستان و عطا محمد نور نیز والی بلخ می باشد. گفته می شود که صلاح الدین ربانی وزیر خارجه افغانستان و احمد ضیا مسعود اعضای حزب جمعیت اسلامی نیز از این ائتلاف حمایت می کنند. از سخنان اخیر احمدولی مسعود هم بر می آید که او هم کلاه خود را در معرکه به نفع "اتحاد جدید شمال" انداخته است.

این ائتلاف جدید توسط کسانی که خودشان را در تشکیل حکومت "به حاشیه رانده شده و منزوی" می دانند و محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان را به "انحصار قدرت" متهم می کنند، ایجاد شده است. تشکیل این ائتلاف جدید این را می رساند که آنها از کاخ سپیدار نیز نا امید شده اند و خود برای آنچه حق شان در ساختار نظام می خوانند، آستین بر زده اند. رئیس اجراییه که مشکلات خودش را با ریاست جمهوری دارد، هنوز در مورد این ائتلاف اظهار نظر نکرده است.

به وضاحت معلوم است که تمام اختلافات بر سر تقسیم قدرت است. تمام این جناها از سهم خود در دولت ناراضی هستند. این آقایان مردانگی و شهامت آنها هم ندارند که از مقامهای خود استعفا داده و یک اپوزیسیون سیاسی را در مقابل دولت تشکیل داده برای پیروزی در انتخابات بعدی دست بکار شوند.

آنچه را این آقایان فراموش میکنند این است که در یک نظام ریاستی مجریان اداره دولت مرکزی تنها و تنها به سلیقه و نظر رییس جمهور انتصاب میشوند تا رییس جمهور قادر باشد برنامه دولت خود را به میل خود عملی نماید. این سیاستها و برنامه ها است که باید ملی بوده منافع تمام اقوام را در نظر بگیرند نه اینکه چند نفر از چند قوم که صلاحیت نمایندگی از قوم خود را ندارند، در رأس امور باشند.

مهمتر از همه آنکه برای ولینعمت دولت موجوده، یعنی حکومت امریکا، دانستن و تأیید موقف رییس جمهور غنی هیچ مشکلی ندارد زیرا این سیستم مطابق نورمهای سیستم ریاست جمهوری امریکا طراحی شده است. این مثلث ائتلافی جدید سالها را در اتحاد و هم در مخاصمه با هم گذرانده اند. دوستم، محقق و عطا محمد نور در رأس سه قوای ملیشهء ضد طالبان به پول و اسلحهء سی آی ای و با کمک قوای اختصاصی امریکایی و بمبهای طیارات اف ۱۸ در ماههای اکتوبر تا دسمبر سال ۲۰۰۱ از استقامتهای کشنده، بامیان و سر پل بالای مزارشریف هجوم آوردند. اینها در حدود دهمادی رسیده بودند که طالبان شهر مزارشریف را تخلیه کرده عقب نشینی کرده و شهر را بدون جنگ به این سه نفر واگذاشتند. متعاقباً عملکرد این سه جنگسالار در کشتار تسلیم شدگان و زندانیان در مکتب سلطان رضیه، در قلعهء جنگی مزارشریف و در دشت لیلی، هر سه را متهمین درجه اول نادیده گرفتن حقوق بشر و اجرای جنایات جنگی قابل کیفر در محاکم بین المللی میسازد. اتحاد این سه در مزارشریف تا سال ۲۰۰۳ دوام کرد و در آن سال در مزارشریف در یک بازی قدرت باهم درگیر شدند که عطا از آن پیروز سر بدر کرد. آخرین برخورد های آتشدار دوستم و عطا محمد نور نزدیک به یکنیم سال قبل بود.

#### **موقف سیاسی ائتلافیون از چه قرار است:**

دوستم در معرض بررسی قضایی اتهامات تجاوز جنسی توسط او بالای ایشچی والی سابق جوزجان قرار دارد. دوستم میخواهد طراح و مجری پالیسیهای امنیتی دولت غنی باشد. درحالیکه اشرف غنی رییس جمهور است و حق دارد سیاستهای استراتژیکی امنیتی خود را و تیم اجرایی خود را طوریکه دلش میخواهد انتخاب کند. یک کودک هم میتواند بفهمد که حذف دوستم و تضعیف او که کمر رییس جمهور را در انتخابات بسته کرد، بیش از همه به ضرر خود اشرف غنی است. متأسفانه این عملکرد های غیر مسولانه و تفنگسالارانۀ خود دوستم است که او را با افراد قوم خودش در گیر کرده و امروز تجرید شده از ترس پیگرد قضایی در تبعید داوطلبانه بسر میبرد.

محمد محقق رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان چندی قبل شکایت کرد که مقامهای پولدار را به دیگران میدهند. موقف موصوف به عنوان رهبر سیاسی قوم هزاره با بروز جنبش روشنایی شدیداً در معرض خطر قرار گرفته است!

بعد از تشدید اختلافات عطا محمد نور با داکتر عبدالله و عدم شامل کردن عبدالله در هیأت رهبری حزب جمعیت اسلامی، عطا محمد نور تهدید کرد که با صدهزار نفر بکابل خواهد آمد تا خواسته های جمعیت را بر آورده سازد! این خواسته ها را عطا محمد نور مدتی قبل ۳۰ سفیر و ۳۰ معین، چندین رییس مستقل و ۱۵ سناتور انتصابی برای جمعیت اسلامی خوانده بود. والی بلخ اخیراً هم از گسترش دولت (تعداد وزرا) سخن گفته است تا تعدادی را او نامزد کند.

بنابر آن این ائتلاف نه کسی را غافل گیر میکند و نه وزن زیادی را به همراه دارد.

## راه حل بحران موجود چگونه است؟

صرف دوسال از میعاد پنج ساله دوره ریاست جمهوری اشرف غنی باقیمانده و قرار است در سال آینده انتخابات شورای ملی و شورا های ولسوالیها برگزار گردند. وخامت بیشتر فضای سیاسی اگر رییس جمهور اشرف غنی را به اعلان حالت اضطرار وادار کند به نفع مخالفین سیاسی دولت نیست.

من فکر نمیکنم اعلان حالت اضطرار به نفع حزب جمعیت، شورای نظار، حزب وحدت، جنبش اسلامی دوستم و جنبش روشنایی و سائر مخالفین دولت باشد برای اینکه مردم عادی که از حالت موجود و مانور های سیاست بزان تبارگرا خسته شده و بازگشت به زندگی عادی روزمره را خواهان اند از اعلان حالت اضطراری استقبال خواهند کرد.

با اعلان حالت اضطرار، رییس جمهور اشرف غنی چیزی را از دست نخواهد داد. از روز اول ریاست جمهوری تا امروز او را فاشیست، تمامیت خواه، قومپرست، طالب و داعش میگویند و از اینها بدتر صفتی باقی نمانده تا به او نسبت دهند.

بنابر آن نباید وخامت اوضاع سیاسی را بطور مصنوعی تا آنجا بالا برد که رییس جمهور مجبور به استفاده از آخرین حربه قانونی که در اختیارش است، گردد.

پایین بودن سطح درک افراد از دموکراسی و عملکرد غیر دموکراتیک مقامات مسول که داد از دموکراسی میزنند نیز یکی از دلایل اساسی ناموفق بودن پروسه دموکراتیزه ساختن جامعه است. صلاح الدین ربانی با حفظ مقام وزارت خارجه از اشتراک در یک جلسه بین المللی که وزارتخانه خودش دعوت کرده بود خودداری میکند. عطا محمد نور مکرر به دولت مرکزی التیماتوم صادر کرده دست زدن به اغتشاشهای رنگارنگ را تهدید میکند. دوستم معاون اول ریاست جمهوری تقاضاهای مکرر مقام لوی خانونالی را برای انجام تحقیق در قضیه ایشچی نادیده گرفته خود را تبعید کرد.

من شخصاً برای موجودیت میکانیزمهای مناسب قانونی برای تضمین سهمگیری متناسب اقلیتهای قومی، اجتماعی، مذهبی در امور اداره دولتی، چه در سطح ملی و چه در سطوح ولایتی و محلی مخالف نیستم. بطور مثال در سیستم ریاستی فدرالی امریکا رییس جمهور بر اساس مجموع آرای مستقیم مردم انتخاب نمیگردد، بلکه رییس جمهور بطور غیر مستقیم توسط یک کالج انتخاباتی انتخاب میگردد. هر واحد فدرال (ایالت) دارای یک سهمیه معینی از اعضای کالج انتخاباتی است که متناسب با فیصدی نفوس ایالت مربوطه نمیشد. این عدم تناسب که در ظاهر یک بیعدالتی آشکار است بخاطر جلوگیری از نفوذ بیش از حد ولایات پرنفوس مانند کالیفورنیا، نیویارک، ماساچوست و غیره بالای نتایج انتخابات ریاست جمهوری وضع شده و امکان آنرا فراهم کرده تا ایالات مرکزی کم نفوس نیز در انتخاب رییس جمهور نقشی داشته باشند.

در قانون اساسی موجوده افغانستان میکانیزم لازم برای دادن صلاحیتهای بیشتر به ولایات موجود است (میتوان زونهای اداره ملکی منطقوی مانند زون مرکز، مشرقی، جنوبی، شمالی، قطغن، ترکستان، هرات، هزاره جات یا هزارستان، سیستان، لوی کندهار ایجاد کرد). لویه جرگه آینده میتواند سیستمهای انتخابی شوراهای ولایتی و محلی را تقویت نموده و مقامهای وزیر اعلاى هر ولایت را از میان اعضای شورای

ولایتی در نظر بگیرد تا امور اجرایی و انکشافی ولایات را مطابق به نیازهای محلی هدایت نمایند اما تعیین مقام والی ها باید از صلاحیتهای رییس جمهور باقی بماند.

با موضوع تعدیل قانون اساسی برای ایجاد مقام "صدر اعظم اجرایی" و یا آنطوریکه یونس قانونی تصریح کرد، ایجاد یک "نظام پارلمانی"، باید بسیار مسولانه برخورد کرد. لازم است هر نوع اقدام از مجرای میکانیزمی که در خود قانون اساسی تصریح شده صورت بگیرد. این وظیفهء حکومت وحدت ملی است تا کمیونی را از اهل خبره در مورد تعیین نماید تا این کمیون تمام جوانب قضیه را، نظریات موافق و مخالف و عوqb آنها را ارزیابی کند. کمیون باید:

اول: از تمام احزاب سیاسی، سازمانهای اجتماعی مدنی، اهل خبره و شخصیتهای ملی تقاضا نماید تا پیشنهادات خود را در مورد تا یک زمان مشخص به کمیون ارایه نمایند؛

دوم: کمیون پیشنهادات رسیده را جمع بندی و ارزیابی نموده از مجموع آنها چند امکان مشخص تغییر در مواد مربوطهء قانون اساسی را تنظیم نموده به مباحثه همگانی برای مدت معین و محدودی از طریق مجالس مستقیم گفت و شنود در مرکز و ولایات و هم توسط رسانه ها قرار دهد؛ و

سوم: کمیون نتایج نهایی مباحثات و عکس العمل عامه را که در رسانه ها انعکاس یافته اند جمع بندی و ارزیابی نموده از مجموع آنها چند امکان مشخص تغییر در مواد مربوطهء قانون اساسی را که جامعه بر آنها تاکید نموده اند تنظیم نموده به حکومت وحدت ملی تقدیم نماید.

چهارم: حکومت وحدت ملی بعد از ارزیابی نظریات کمیون تعدیل قانون اساسی، پیشنهادات لازمه را (پیشنهادهای مواضع متفاوت) را برای مباحثه در لویه جرگه تنظیم نموده لویه جرگه را برای مباحثه و تصمیم گیری در مورد آنها دعوت نماید.

با پیروی از اینگونه یک پروسهء تفاهم ملی میتوان راههای حل به مسایل ملی پیدا کرد.